

بیکاری ام‌الفساد جامعه‌است

بزهکاری الزاما معلول تحصیلات بالا و پایین نیست، بلکه پیامد تزلزلی در خود جامعه تلقی می‌شود و نمایانگر مشکلات ساختاری در نظام اجتماعی است، زیرا در پس رفتارهای بزهکارانه، نوعی پس زده شدن از سوی جامعه و نظام هنجاری رسمی در ذهن طردشدگان اجتماعی وجود دارد که با ایجاد فرصت‌های مجرمانه، افعال کج‌روانه بالفعل می‌شود.

عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران معتقد است بیکاری ام‌الفساد جامعه است و می‌گوید: «متغیر تحصیلات زمانی می‌تواند از ارتکاب جرم پیشگیری کند که فارغ‌التحصیلان جامعه وارد بازار کار شوند. بیکاری ام‌الفساد جامعه است. وقتی نیازهای زیستی به افراد جامعه فشار وارد می‌کند و جوانان دانما با ناکامی‌های پی‌درپی روبه‌رو می‌شوند، به نظر نمی‌رسد مولفه تحصیلات کارکرد پیشگیرانه‌ای داشته باشد. به عبارتی، در شرایطی که فرصت‌های شغلی وجود نداشته باشد، مجرمان تحصیلکرده افزایش خواهند یافت.»

بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی

او شکاف طبقاتی و نابرابری‌های موجود را در رشد تحصیلکرده‌های مجرم موثر می‌داند و توضیح می‌دهد: «به‌طور کلی ناکامی‌های اجتماعی، بی‌عدالتی و شکاف‌گسترده طبقاتی از عوامل زمینه‌ای است که میل به کج‌روی را در همه گروه‌های اجتماعی تشدید می‌کند، اما شیوه بروز این انحرافات متفاوت است. بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و توزیع ناعادلانه ثروت و نواقص موجود در نهادهای اقتصادی منجر به ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی می‌شود. بحران‌های اقتصادی در توزیع عادلانه ثروت به منزله مهم‌ترین عامل ایجادکننده فقر و پیامدهای ناشی از آن به شمار می‌رود. بحران‌های اقتصادی در برانگیختن جوانان به سرقت و انحرافات دیگر تاثیر قابل توجهی دارد. بحران‌های اقتصادی موجب کاهش درآمد‌ها، فقر، بیکاری و نابسامانی خانواده‌ها می‌شود و خود انگیزه‌ای است که افراد را به سوی جرایم و تخلف از مقررات اجتماعی سوق می‌دهد. شخصیت ضداجتماعی رابطه معناداری با ناکامی دارد. در جامعه ما به علت ساختارهای معیوب اقتصادی و بیکاری گسترده، جوانان به اشکال مختلف ناکامی را تجربه می‌کنند. آنان مدام تمایلات درونی خود را سرکوب می‌کنند یا نادیده می‌گیرند، به همین علت هرچه گستره ناکامی‌های فردی و اجتماعی بیشتر شود و از امکان سازگارشدن فراتر رود، به‌گسترش تیپ شخصیتی ضداجتماعی دامن می‌زند.»

آبروشن معتقد است که اقدامات مجرمانه فرد تحصیلکرده منشأ بیرونی دارد: «ما در اینجا با مسأله‌ای اجتماعی روبه‌رو هستیم، نه روان‌شناختی. این دسته افراد در قالب شخصیت‌های ضداجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند، زیرا رفتارشان منشأ بیرونی دارد و از سوی محیط اجتماعی و به‌طور کلی جامعه بر شخص تحمیل می‌شود. به طوری که فشارهای اجتماعی به‌عنوان موج موافق، فرد را به واکنشی کج‌روانه سوق می‌دهد.»

سوءمدیریت نظام اجتماعی

این جرم‌شناس انگیزه‌های کج‌روی‌های قشر تحصیلکرده را به دلیل سوءمدیریت نظام اجتماعی می‌داند: «نظام اجتماعی به علت ناتوانی یا سوءمدیریت، توان فراهم‌کردن فرصت‌های شغلی متنوع را برای جوانان جامعه ندارد. در همین نقطه است که انگیزه‌های کج‌روی در ذهن کسانی که از مزیت و فرصت‌های اجتماعی بی‌بهره هستند، شکل می‌گیرد. این دسته از افراد با توجه به هوش و توانایی که دارند، در سلسله‌مراتبی از رفتارهای مجرمانه قرار می‌گیرند تا از راه‌های نامشروع، به اهدافی که جامعه بر آن تاکید کرده است، برسند. به عبارتی، این گروه برای رسیدن به ثروت، منزلت اجتماعی یا هر چیزی که نزد دیگران احترام را برای آنان به ارمغان بیاورد و نظام اجتماعی نیز بر آن تاکید داشته است، به نوآوری‌های کج‌روانه دست می‌زند. جمهوری اسلامی بر هدف‌های ارزشمند و مقبول اجتماعی تاکید فراوان دارد و اعضای جامعه را تشویق می‌کند با وسایل مشروع و پذیرفته‌شده به اهداف و ارزش‌های اجتماعی دست پیداکنند، اما ایجاد ابزار و بسترهایی که به عنوان شرط لازم برای رسیدن به این اهداف تاکید شده است، قدرتمند و همه‌جانبه عمل نکرده است.»

بحران اجتماعی

آبروشن به این شرایطی که سن سرقت در کودکان پایین آمده یا بارشد تحصیلکرده‌های مجرم مواجه هستیم، بحران اجتماعی می‌گوید: «بحران اجتماعی به شرایط غیرمتعارفی گفته می‌شود که ثبات و بقای جامعه را در خطر فروپاشی قرار دهد. بحران برای جامعه به منزله «بیماری سخت» در انسان است که برای ادامه حیات باید تلاش کرد. با این تعاریف به طور قطع رشد تحصیلکرده‌های مجرم یا کاهش سن سرقت در کشور از مصادیق بحران‌های اجتماعی تلقی خواهدشد.»

۴ هزار عنوان مجرمانه

سلمان کونانی، جرم‌شناس و پژوهشگر فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی درباره تحصیلکرده‌های مجرم چندین مولفه و پارامتر را مطرح می‌کند: «در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و چه برداشتی از مفهوم جرم داریم؟ چه تعریفی از جرم وجود دارد؟ در چه فرهنگی به مفهوم جرم نگاه می‌کنیم؟ در چه مدل سیاسی این مفهوم را می‌بینیم؟ پاسخ به این سوالات در جوامع مختلف متفاوت است. پاسخ‌ها کاملا در جامعه فول دموکرات متفاوت با جامعه اختلالگراست. واکنش‌ها به این پرسش‌ها در جامعه در حال توسعه یا توسعه‌یافته کاملا متفاوت است. این علم پژوه در ابتدا مفهوم تحصیلات را شفاف سازی می‌کند: «در معنای عام کسی که سواد خواندن و نوشتن دارد و مدرسه رفته، تحصیلکرده است. اما در معنی خاص فرد دارای مدرک دانشگاهی تحصیلکرده شناخته می‌شود. این موضوع در اکثر جوامع کنونی مصداق دارد.

ما ۴ هزار عنوان مجرمانه در کشور داریم. برخی بسیار نگران‌کننده و نیازمند تبدیل، چاره‌اندیشی و بازاندیشی است. ۲۰ قرن تلاش نظری و عملی باید انجام شود تا به این پاسخ برسیم که چرا ما به کشور و نظام و حقوقی تبدیل شده‌ایم که به اندازه کل کشورهای قاره اروپا و آمریکا عنوان مجرمانه دارد.»

رعایت استانداردهای آموزشی

آیا استانداردهای آموزشی در آموزش عالی توسعه یافته است؟ تحصیلات دانشگاهی در کشور دارای استانداردهای آموزشی مطلوب است؟ سوالاتی که سلمان کونانی به آن پاسخ می‌دهد: «من یکی از منتقدان نظام توسعه تحصیلات در ایران هستم، چون معتقدم مدارک لیسانس و کارشناسی ارشد به معنی حقیقی نیست. بنابراین توقع شما از مفهوم لیسانس، فوق لیسانس و دکتری باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان باشد.

معتقدم در شرایط کنونی وقتی به فردی دکتر، مهندس یا وکیل اطلاق می‌شود، در اکثر مصادیق حداقل استانداردهای آموزشی را دارد. درواقع موتور کارخانه مدرک‌سازی نظام آموزشی و دانشگاهی روشن است و مدارکی با عناوین لیسانس، فوق لیسانس و دکتر تولید می‌شود، ولی به معنای واقعی با



یافته‌های جالب ارتباط جرم با تحصیلات دانشگاهی در گفت‌وگوی «شهروند»

با کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی

دانش‌آموختگان شُبرو!

✍️ **مریم رضاخواه** دورتادور حیاط پلیس آگاهی را متهمانی با چهره‌هایی که نشان از غافلگیری بزرگ می‌داد، پر کرده بودند. سارقان و تبهکاران ایستاده بودند، دستنبند بر دست و زنجیر بر پا. از هر رنگ و گروهی بودند. خمار و معتاد، سابقه‌دار و جرم‌اولی، زنجیروار در صف‌های آشفته و بی‌نظم شانه‌به‌شانه یکدیگر ایستادند. به جرم سرقت به بند کشیده شده بودند. باسواد و بی‌سواد، تحصیلکرده و نخیه. یکی‌شان با آنبوهی از ریش و پیراهنی بی‌رنگ‌ورو، در انتهای صف نگاه‌ها را به خود جلب می‌کرد. بیشتر موهای سرش ریخته بود و تارهای سفیدش خیلی بیشتر از سیاه بود. صورتش تکیده و پرچین بود، گونه‌هایش بیرون زده و چشم‌هایش ته‌گرفته بود. لاغر و فرو ریخته، گوشت به تنش نمانده بود. مگر چند سال داشت؟ صورتش یکدست زرد بود. زردی توی چشم‌هایش هم نشسته بود و سفیدی‌اش رفته بود. غم در هاله چشمانش مشهود بود. با قدم‌های سست راه می‌رفت. کمی عصبی به نظر می‌رسید با نفرت نگاه می‌کرد. در تمام سال‌های رفته‌روی چهره‌اش بود. رد خنده‌هایی که با قهقهه‌های بلند آغاز می‌شد. رد خشمی که چین‌هایی عمیق روی پیشانی‌اش جا می‌گذاشت. رد نگرانی‌هایی که لایه‌ای از اشک و اندوه‌شان در چشم‌هایش مانده بود. در سال‌هایی که از سرش گذشته بود رد تجربه‌ها، اتفاق‌ها. صورتش ۱۰ سالی پیرتر نشان می‌داد. ۳۳ سال داشت. چروک پیشانی‌اش بیشتر از سنش بود.

بریده‌بریده حرف می‌زد و وسط کلمات یکدفعه می‌ایستاد تا نفسی چاق کند. لب‌های خشکیده‌اش را به هم می‌مالید و با زبان، خیس‌شان می‌کرد و بعد دوباره از قصه‌اش گفت. قصه‌ای که او را به اینجا کشانده بود. فوق لیسانس برنامه‌ریزی شهری داشت. رتبه سوم کنکور و حتی مشاور تحصیلی هم بود. از بی‌پولی شکایت داشت. او یکی از اعضای باند سرقت از خانه‌هاست. همان‌هایی که با شیوه تخریب قفل خانه‌ها و بالکن‌روی، دست به دزدی‌های سریالی می‌زدند. اعضای این باند سلاح هم با خود به همراه داشتند تا اگر صاحبخانه سر رسید، بتوانند با تهدید از مهلکه فرار کنند. تحصیلکرده بود. یک شب که با دوستانش دور هم جمع شده بودند، از بی‌پولی شکایت کردند و درنهایت تصمیم به سرقت گرفتند. آنها خانه‌های مردم را در شمال تهران خالی کردند تا ره صد ساله را یک شبه برونند. او تنها مجرم تحصیلکرده این صف طولیل شبروها نبود.

بزهکاری در کشور هر روز بحرانی‌تر می‌شود. کاهش سن بزهکاری رنگ خطری بود که سال‌ها پیش به صدا درآمد. اما حالا ارتکاب جرم توسط تحصیلکرده‌ها به بحران دیگری تبدیل شده که جامعه با آن روبه‌رو است. وقوع جرم توسط دانش‌آموختگان تحصیلات عالی‌ه امروزه در زمره عجیب‌ترین پدیده‌های کشور قرار دارد. تحصیلات عالی‌ه دیگر باعث ریشه‌کنی جرم نمی‌شود. واقعیت این است که برخورداری از تحصیلات بالاتر بیشتر در نوع جرم ارتكابی تاثیرگذار است و نه بر اصل جرم و هنجارشکنی.

انتظار و تصور عمومی این است که با بالا رفتن میزان تحصیلات، میزان جرم نیز کاهش می‌یابد. علل و عوامل مختلفی می‌تواند توجیه‌گر جرم باشد. بحث تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور ارتکاب به جرم را دامن می‌زند. جرم پدیده‌ای چند وجهی است که همواره مورد نظر جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوقدانان و اقتصاددانان بوده است. بررسی این پدیده با نگاه جرم‌شناختی و جامعه‌شناسی یافته‌های جالبی را در پی دارد. کارشناسان در گفت‌وگو با «شهروند» ارتباط جرم با تحصیلات دانشگاهی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

رابطه جرم و تحصیلات عالی

دکتر مصطفی آبروشن، جرم‌شناس و عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، رابطه جرم و تحصیلات عالی را تحلیل و بررسی می‌کند: «از منظر جامعه‌شناسی میان تحصیلات و بروز انواع کج‌روی‌ها رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. نظریات کلاسیک بر این نکته تاکید دارند که انواع کج‌روی‌های اجتماعی بیشتر در گروه‌هایی نمایان است که تحصیلات پایین دارند. به‌طور کلی تحصیلات دانشگاهی یکی از عوامل کاهش وقوع جرم است، زیرا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نسبت به دیگر اقشار جامعه، راحت‌تر پایگاه اقتصادی و اجتماعی متناسب با انتظارات فردی را کسب می‌کنند و بر این اساس انگیزه‌های مجرمانه در گروه‌هایی که منزلت اجتماعی بالایی دارند، به شدت پایین می‌آید. این امر به این معناست که تحصیلات از عوامل زمینه‌ای در کاهش هر گونه وقوع جرم است، اما این کاهش وقوع جرم میان تحصیلکرده‌ها در جوامعی دارای اعتبار است که تحصیلات منجر به اشتغال فارغ‌التحصیلان شود. به همین علت در جوامع توسعه‌نیافته که بیکاری از شاخصه‌های بارز آن است، این نتیجه‌گیری می‌تواند متفاوت باشد.»

بهره‌هوشی و انحرافات مجرمانه

برخی از جرایم به‌گونه‌ای است که تحصیلات دانشگاهی و هوش بالا نه تنها به کاهش جرم منجر نمی‌شود، بلکه سکوی جهش برخی از انحرافات هم است. مصطفی آبروشن می‌گوید: «انگیزه‌های مجرمانه پدیده‌ای است که معلول عوامل مختلف فردی، محیطی، خانوادگی و فشارهای اقتصادی-اجتماعی است. افراد جامعه بر مبنای استعداد، هوش یا پشتکار لازم در سلسله‌مراتب قشربندی اجتماعی، پایگاه‌ها و منزلت‌های متفاوتی از جمله: پزشک، نجار، تراشکار، مهندس، ریاضیدان و فیلسوف را کسب می‌کنند. در واقع پیش‌نیاز برخی از مشاغل هوش و استعداد بالاست. در مقابل در دیگر مشاغل، با تمرین و تجربه، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود. نکته جالب توجه اینکه در دنیای مجرمانه و کج‌روی‌های اجتماعی نیز به همین صورت است. در مصادیق کج‌روانه همانند: اخاذی و جیب‌بری، احتیاج به هوش و تحصیلات بالایی نیست. اما از سوی دیگر در جرایمی از قبیل: کلاهبرداری‌های حقوقی، سرقت‌های بزرگ بانکی یا نفوذ هکرها، به‌طور قطع هوش و تحصیلات از پیش‌زمینه‌های تحقق آن است.»

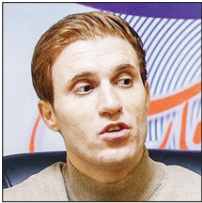
این جرم‌شناس معتقد است: «در دنیای مجرمانه نیز هر کسی بر مبنای استعداد، هوش و توانایی خود، تاکتیک‌های متفاوتی را برای انواع رفتارهای مجرمانه برمی‌گزیند. در جرایم یقه‌سفیدان، شاهد مجرمان تحصیلکرده و با موقعیت‌های اجتماعی ممتاز هستیم که به علت هوش اجتماعی و موقعیت‌های استثنایی، ردی از خود بر جای نمی‌گذارند، به طوری که نهادهای نظارتی مجبورند سالیان زیادی را صرف رمزگشایی اعمال مجرمانه آنان کنند.»

ناکامی‌های فردی و اجتماعی، مولفه‌ای برای تباهی

مطالعات علمی انجام‌شده درباره عللی که موجب پیدایش بزهکاری می‌شوند، نشان می‌دهد که بزهکاری نتیجه ویژگی‌های شخصی و اجتماعی بزهکار یا شرایط محیطی است که او در آن واقع شده است. با این حال، تشخیص میزان تاثیر عوامل مختلف در به وجود آمدن بزهکاری مشکل است، زیرا در حقیقت تمامی عوامل درونی و بیرونی پیدایش بزهکاری مثل رشته‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند و هر یک مقدمه دیگری است. این عوامل به اندازه‌ای متنوع و فراوانند که به‌طور دقیق نمی‌توان گفت کدام یک از آنها بیش از سایر عوامل در وقوع بزهکاری موثر بوده است.

از سوی دیگر، نحوه تاثیر هر یک از عوامل به‌درستی مشخص نیست. به همین دلیل، از نظر کارشناسان، هیچ‌گاه عامل معینی وجود ندارد که همیشه و به‌طور مطلق موجب کشاندن فرد به سوی بزهکاری شود.

این پژوهشگر بر این باور است که ناکامی‌های فردی و اجتماعی، تحصیلکرده‌ها را به سوی جرم سوق می‌دهد: «صرف‌نظر از اینکه ریشه جرایم یقه‌سفیدان عموماً طمع‌ورزی است، اما افزایش رفتارهای مجرمانه در میان طبقات تحصیلکرده در جامعه ایران عموماً انعکاس ناکامی‌های فردی و اجتماعی است. در واقع این جبر اجتماعی است که همچون موج موافق آنان را به سوی کج‌روی و انواع انحرافات اجتماعی سوق می‌دهد.»



سلمان کونانی: صرف‌نظر از اینکه ریشه جرایم یقه‌سفیدان عموماً طمع‌ورزی است، اما افزایش رفتارهای مجرمانه در میان طبقات تحصیلکرده در جامعه ایران عموماً انعکاس ناکامی‌های فردی و اجتماعی است. در واقع این جبر اجتماعی است که همچون موج موافق آنان را به سوی کج‌روی و انواع انحرافات اجتماعی سوق می‌دهد.

لیسانس، فوق لیسانس و دکتراسر و کار نداریم.»

تحصیلات قدرت بازدارندگی از وقوع جرم راندارد

صاحب نظران این عرصه براین باورند که آموزش همواره اولویت دارد.

تحصیلات شاخص کیفی است و اگر بتواند مرز کیفی سازی ورود به دانشگاه‌ها یا رابطه مدارس و دانشگاه را در جامعه نشان بدهد، یکی از شاخص های توسعه هم محسوب می‌شود.

اما فی‌السنفه تحصیل شاخص و پارامتر خاصی نیست که در تحلیل وقایع جنایی مورد توجه قرار گیرد. در واقع تحصیل شاخص ومهارت یابرندوبرحسب اکتسابی است که قدرتی به مراتب ضعیف‌تر از تاثیرگذاری شاخص های فردی و محیطی بر شخصیت افراد دارد. یعنی افراد تا حد زیادی از محیط خانواده و واقعیت های جامعه تاثیر می‌گیرند تا از فضای دانشگاهی.

زمینه‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی، فرصت‌های محیطی را برای ارتکاب جرم ایجام می‌کند، بنابراین تحصیلات قدرت بازدارندگی از وقوع جرم راندارد.

عوامل چندگانه در بروز جرم

از نظر کارشناسان علوم اجتماعی، هیچ‌گاه عامل معینی وجود ندارد که همیشه و به طور مطلق موجب کشاندن فرد به سوی بزهکاری شود.

مطالعه علل رفتار مجرمانه همیشه باید عوامل چند گانه موجد جرم و تاثیر متقابل آنها را مدنظر قرار دهد. برحسب مورد، ممکن است نقش و تاثیر یکی از این عوامل از عامل دیگر بیشتر باشد، ولی هیچ‌گاه عامل واحدی، علت همه رفتارهای مجرمانه نبوده و نیست.

اگر دکتری در جامعه‌ای مجرم شناخته شود، در نخستین گام، متهم باید باتولوزی فردی اجتماعی شود تا بررسی‌ها نشان دهد این مجرم در چه محیطی، چه شرایط مکانی و زمانی، تاریخی و سیاسی رشد کرده و چه انگیزه‌های محیطی و فردی تاثیرگذار بوده است. در قدم بعدی نظام تحصیلات دانشگاهی یا نظام آموزشی باید زیر سوال برود.

پس باید به مسائل فردی، زمینه‌ای و شخصیتی افراد پیش از برندینگ تحصیل توجه شود. ابعاد مختلف جرم و شخصیتی مجرم باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. باید به ظرف زمان و مکان هم توجه کنیم. اینکه جرمی که در حال حاضر فرد انجام داده، به چه دلیل، با چه انگیزه‌ای و در چه شرایطی انجام شده است.

هوش سیاه

بین بهره هوشی مجرمان با نوع جرایم رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس، ارتکاب جرایم سازمان یافته و پیچیده، نیازمند افرادی باهوش است. عبارت «هوش سیاه» بازتاب دهنده رابطه بین بهره هوشی بالا با جرایم پیچیده است. این جرم‌شناس معتقد است: «قشر تحصیل‌کرده شاید قدرتی برای ارتکاب جرم بیشتر داشته باشد؛ یعنی دانشمندانه‌تر با مقوله جرم برخورد می‌کند. ممکن است بهتر از هر کس دیگری ردپای جرم را پاک کنند.»

کونانی توضیح می‌دهد: «مجرم تحصیل‌کرده مثل هر قشر مجرم دیگری یکی از محصولات نظام اجتماعی است. ۹۰درصد جرایم، محصول انتخاب اراده و شرایط خود جامعه است. همانطور که می‌گویند مجرمان استحقاق و لیامت‌های جامعه را نشان می‌دهند. رفتارهای مجرمانه نشأت گرفته از برخی ساختارهای جامعه است. بیشترین عوامل و فاکتورهای موثر بر وقوع جرم شاخص‌های اجتماعی و محیطی است، نه شاخص‌های فردی. در اغلب جرایم، جامعه مقصر است.»

سرخوردگی قشر تحصیل‌کرده

فقدان فرصت شغلی مناسب برای قشر تحصیل‌کرده و نخبگان جامعه ایران موجب بروز سرخوردگی می‌شود. مسأله‌ای که این جامعه‌شناس هم به آن اشاره می‌کند: «قشر سرخورده تحصیل‌کرده هم وجود دارد. دانش‌آموختگان بیکاری که از نظر ماقشر تحصیل‌کرده هستند، اما از نظر خویش فرد بیکاری‌اند که تنها راه خلاصی از این سرگشتگی را ارتکاب جرم می‌دانند. بنابراین هر عاملی می‌تواند در سوق یافتن افراد به سمت جرم نقش داشته باشد. بیکاری، شکاف‌های طبقاتی، فرصت‌های محیطی و نابرابری‌های موجود در افراد تحصیل‌کرده به شکل غیرباوری سرآغاز تن دادن به ارتکاب جرم است. باید آموخت که از واژه تحصیل توقع آرمانی نداشته باشیم. تحصیل معجزه‌گر



نیست. تحصیل انرژی جادویی ندارد که تصور کنیم قشر تحصیل‌کرده باید قانون‌گرا باشد.»

فرهنگ سازی باید انجام گیرد

این جرم‌شناس معتقد است تغییر در رویکردها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و فرهنگ‌سازی در این حوزه می‌تواند راهگشا باشد: «اگر تصورمان این است که دکتر، مهندس‌ها؛ تحصیل‌کرده‌ها هیچ جرمی انجام ندهند، سخت در اشتباه هستیم. ما باید به فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌افزایی تن دهیم. دادن مدرک و خروجی‌های دانشگاهی به معنی فرهنگ‌سازی در جامعه نیست. ما نیاز به مقوله فرهنگ‌سازی داریم و باید برای هر قشری این مقوله فرهنگ‌سازی شود. باید آستانه صبر افراد بالا برود و تاب‌آوری اجتماعی در برابر شرایط بد را افزایش دهیم. این مقوله‌ها صرفا با مدرک دانشگاهی به دست نمی‌آید.» این مدرس دانشگاه معتقد است برای جلوگیری از رشد تحصیل‌کرده‌های مجرم باید اصلاحات بزرگی انجام داد: «کاهش وضعیت فعلی جامعه ایران، نیازمند تغییر در رویکردها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است و تا این رویکردها اصلاح نشود، رشد آسیب‌های اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»

ظرفیت خالی دانشگاه‌ها و نبود رقابت جدی

سعید خراط‌ها، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی، دکترای مردم‌شناسی و دکترای اقتصاد، نویسنده و پژوهشگر حوزه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی هم درباره رشد مجرمان تحصیل‌کرده تحلیل‌های متفاوتی دارد: «در چند دهه اخیر به علت گسترش دانشگاه‌ها و مراکز عالی همه شانس تحصیل دارند و پدیده‌ای به نام گزینش یا کنکور نداریم. در دانشگاه‌های شاخص امکان رقابت وجود دارد، اما برای تحصیل رقابتی وجود ندارد، به همین علت ظرفیت خیلی از دانشگاه‌ها خالی شده است. همگان می‌توانند درس بخوانند و مدرک لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکتر بگیرند. در حقیقت دیگر چیزی به نام رد شدن از کنکور وجود ندارد. همه انسان‌ها با همه اخلاقیات و گرایش‌ها می‌توانند وارد دانشگاه شوند و مدرک آموزش عالی بگیرند. یکی از دلایل نبود رقابت جدی برای رفتن به دانشگاه‌ها و گسترش آموزش عالی است. در دانشگاه‌های خاص البته همچنان این رقابت گرم است، اما در کل برای ادامه تحصیل رقابتی وجود ندارد. تمام شاخص‌هایی که باعث انحراف در جامعه می‌شود، بزهکاری را در جامعه افزایش می‌دهد.»

به این ترتیب در وهله نخست گسترش دانشگاه‌ها، در گام بعدی عدم رقابت جدی و در آخر وجود عواملی که منجر به انحراف می‌شود، تحصیل‌کرده‌ها و دانش‌آموختگان آموزش عالی را هم دربرمی‌گیرد.

تحصیل عاملی برای اشتغال نیست

او همچنین تحصیل را دیگر عاملی برای اشتغال نمی‌داند: «۵۰ سال پیش کسی با مدرک دیپلم حتما شغل داشت. اما الان دیگر مدرک در هیچ مقطعی دلیل بر اشتغال نیست. مسأله اقتصادی، بیکاری، فقر و نابرابری در میان تحصیل‌کرده‌ها مطرح است که منجر به انحراف دانش‌آموختگان می‌شود.» از گذشته‌های دور فلاسفه و دانشمندان، تاثیر فقر و اختلافات طبقاتی را در وقوع جرایم مورد توجه قرار داده‌اند و عمدتا در این موضوع که «عامل اقتصادی در بزهکاری موثر است» اتفاق نظر دارند و اگر اختلافاتی در برخی موارد به چشم می‌خورد، ناشی از چگونگی تاثیر جنبه‌های مختلف این عامل است.

عوامل بزهکاری

عوامل متعددی، نظیر: فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمد، صنعتی شدن شهرها و پدیده شهرنشینی بر وقوع جرم موثر است و تاثیرات آن نیز اندازه‌گیری شده است؛ حتی اقتصاددانان درجه تاثیرگذاری عوامل اجتماعی دیگری نظیر آموزش، مجازات‌های پیشگیری‌کننده و... را بر وقوع جرم اندازه‌گیری کرده‌اند.

امروزه با توجه به تحقیقات بسیاری در این زمینه، میان برخی از انواع کج‌روی‌ها و وضع اقتصادی افراد رابطه وجود دارد. خراط‌ها می‌گوید: «فقر فرصت مساوی تحصیل و مطالعه، کار و رشد استعدادها را از خانواده‌های فقیر می‌گیرد و موجب اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ می‌شود و این یکی از عوامل بزهکاری است.» □

♦♦

تحلیل منفعت-هزینه برای ارتکاب جرم

تاثیرات این ناکامی‌ها عمیق و عمیق‌تر می‌شود تا جایی که مهارت و کارایی دانش‌آموختگان آموزش عالی را نشانه می‌گیرد. امید به زندگی برای آنهایی که فرصت اشتغال ندارند، خاکستر می‌شود.

هم‌راستا با رشد بیکاری، فقر هم گسترش پیدا می‌کند و همین عوامل، جرایم و انحرافات اجتماعی را افزایش می‌دهد. تورم عامل دیگر کشش افراد به ارتکاب جرم است. تورم فقر را به‌طور فزاینده‌ای تشدید می‌کند و اگر با بیکاری همراه شود، بحران اقتصادی بسیار جدی در زندگی افراد به‌ویژه تحصیل‌کرده‌ها به وجود می‌آورد.

بیکاری همراه فقر شاخص فلاکت زندگی همگان شناخته شده است.

توزیع نامناسب ثروت، درآمد و رانت بین درآمدهای قانونی و غیرقانونی باعث ایجاد شکافی عظیم میان دانش‌آموختگان آموزش عالی می‌شود و در نتیجه انگیزه آنان برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی بالا می‌رود که بسته به نوع و شدت مجازات، این انگیزه زیاد و کم می‌شود. اما مادامی که این مجازات کمتر از درآمدهای غیرقانونی یا فعالیت‌های مجرمانه باشد، افراد و تحصیل‌کرده‌ها به سمت بزهکاری جذب می‌شوند. بازماندگان از شغل، اگر فرصت برابری برای کار داشتند، هیچ وقت وسوسه نمی‌شدند تا جرمی مرتکب شوند.»

خیرخواهان معتقد است که آمارهای بیکاری و فقر روزه‌روز با توجه به تورم و رکود اقتصادی بیشتر می‌شود. خط فقر پیش از این ۳ تا ۴۰درصد بود، ولی درحال حاضر این رقم بیشتر شده است. گزارش جدید مرکز آمار ایران از وضعیت اشتغال و بیکاری نشان می‌دهد میزان بیکاری با ۰.۷ واحد درصد کاهش نسبت به تابستان سال گذشته و ۰.۳ واحد درصد نسبت به بهار سال جاری، به رقم ۸.۹ درصد رسیده است. اما آمار بیکاری باید فراتر از این باشد.

♦♦



سعید خراط‌ها: ۵۰ سال پیش کسی با مدرک دیپلم حتما شغل داشت. اما الان دیگر مدرک در هیچ مقطعی دلیل بر اشتغال نیست. مسأله اقتصادی، بیکاری، فقر و نابرابری در میان تحصیل‌کرده‌ها مطرح است که منجر به انحراف دانش‌آموختگان می‌شود.» از گذشته‌های دور فلاسفه و دانشمندان، تاثیر فقر و اختلافات طبقاتی را در وقوع جرایم مورد توجه قرار داده‌اند و عمدتا در این موضوع که «عامل اقتصادی در بزهکاری موثر است» اتفاق نظر دارند و اگر اختلافاتی در برخی موارد به چشم می‌خورد، ناشی از چگونگی تاثیر جنبه‌های مختلف این عامل است



مصطفی آب‌روشن: در جرایم پقه سفیدان، شاید مجرمان تحصیل‌کرده و با موقعیت‌های اجتماعی ممتاز هستیم که به علت هوش اجتماعی و موقعیت‌های استثنایی، ردی از خود بر جای نمی‌گذارند، به طوری که نهادهای نظارتی مجبورند سالیان زیادی را صرف رمزگشایی اعمال مجرمانه آنان کنند

✂ سوژه روز

از قتل تاحل مشکلات اقتصادی کشور

سال ۹۳ بود که فرمانده انتظامی شهرستان کرمان از رشد ۴۰درصدی دستگیری افراد تحصیل‌کرده پرده برداشت. او تاکید کرد که در میان دستگیرشدگان سال ۲۶، ۹۳درصد مجردها افزایش پیدا کردند و ۴۱درصد بیکاران. در این بین رشد ۴۰درصدی مجرم با تحصیلات عالیه وجود داشت. هفت سال از این اطلاعات که منحصر به استان کرمان است، می‌گذرد. امسال در پایتخت شاهد جرایم عجیب، خشن و بزرگی بودیم که توسط دانش‌آموختگان آموزش عالی رخ داد. اما گزارش‌های رسمی درباره رشد قشر تحصیل‌کرده مجرم آماری ارائه نداده است. آنچه در زیر می‌خوانید تعدادی از پرونده‌های تبهکاری است که در سال ۱۴۰۱ توسط دانش‌آموختگان آموزش عالی رقم خورده است.

سارق تحصیل‌کرده چگونه ۲ نفر را به قتل رساند

دستگیر شده‌اند و مجاری زورگیری‌های مرگبارشان تیتر اخبار رسانه‌ها شده است. ۶ مرد خشنی که رانندگان مسافركش را هدف دزدی‌های ترسناک خود قرار می‌دادند. آنها با خوراندن قرص بیهوشی رانندگان رامسموم می‌کردند و تا پای مرگ می‌کشاندند. تا جایی که یکی از آنها کشته شد و حالا این دزدان به قتل دیگری هم اعتراف کرده‌اند. سرکرده این باند مرد تحصیل‌کرده‌ای است که به خاطر پرداخت اجاره خانه دست به دزدی می‌زند. مردی که خودش هم قبلا یک بار با همین شگرد قربانی سرقت شد و پس از بیهوشی الموالش را از دست داد. حالا خودش به همین اتهام دستگیر شده و هنوز هم باور ندارد که آدم کشته است. یازدهم اردیبهشت بود که این باند به آخر خط رسید.

کلاهبردار تحصیل‌کرده، دانشجو اغفال می‌کرد

مرد تحصیل‌کرده که باراننداری صفحه مجازی و با وعده پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های ترکیه میلیون‌ها دلار از متقاضیان کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد. او ۴۷ ساله و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی و دانشجوی دکترا و مهندسی مکانیک از یکی از معتبرترین دانشگاه‌های ایران و بدون سابقه کیفری است. صفحه مجازی این باند کلاهبرداری ۵۱ هزار دنبال‌کننده داشت و با شعار «ما مشاور شما هستیم و راهنمای راه‌تان اما این مسیر را شما باید طی کنید» تبلیغ تحصیل در ترکیه و پذیرش در دانشگاه‌های این کشور را کرده بودند. آنها سه صفحه داشتند که نوجوانان را به تحصیل رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی در ترکیه ترغیب می‌کرد.

با این ترغند که مجوز دانشجویی برای دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ترکیه را فراهم می‌کنند، مردم را به این موسسه می‌کشاندند و پس از پرداخت مبالغی از ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار دلار به صورت قسطی قرار بود جوانان را برای تحصیل به ترکیه بفرستند. اما این صفحه و موسسه‌ای که جلسات معارفه و معرفی صندلی‌های دانشگاه را به عهده داشت، هیچ کدام اعتبار او در مرکزی سندیت نداشت. این دانش‌آموخته دانشگاهی که مجرم شناخته شد، ۲۵ مرداد ماه به دام افتاد.

مهندس مکانیک: می‌خواستم یکی از معروف‌ترین فروشنده‌های قاچاق اسلحه دنیا شوم

مهندس مکانیک که مالک رستوران ارثیه پدری بود و ماشین مدل بالا و وضع مالی خوبی داشت، به خاطر مشهورشدن اقدام به سرقت‌های سریالی کرد. این سارق حرفه‌ای اخیرا بازداشت شده است. این مهندس مکانیک می‌گوید: «یک روز دلم می‌خواست در طرح ردع جلوی دوربین‌ها ببایم و خبرنگاران از من سوال کنند. هیجان و معروف‌شدن شاید دلیلی بود که با این همه ثروت سراغ سرقت رفتم.» سابقه خریدوفروش اسلحه دارد. می‌خواست یکی از معروف‌ترین فروشنده‌های قاچاق اسلحه دنیا شود. نهم شهریور ماه این متهم هم دستگیر شد.

داستان شیر غران و نقشه‌اش برای اصلاح اقتصاد

«با ما باشید، با تماشای آنلاین عملیات‌های انتقام خونین از زالوهای سرمایه‌دار که خون مردم را در شیشه کرده‌اند.» شیر غران پایتخت، پیج اینستاگرامی‌اش را با همین جمله راه انداخته است. این آغاز فعالیتش بود و البته پایانش؛ می‌خواست به تنهایی مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. دانشجوی فوق لیسانس مدیریت است. برای گرفتن مدرکش تنها باید پایان‌نامه‌اش را دفاع می‌کرد. لیسانس نرم‌افزار کامپیوتر هم دارد. قصد داشت از ثروتمندان بدزدد و به فقر ابخشد تا اینگونه همه به طور یکسان زندگی کنند. تصور می‌کرد برای این کار اسلحه، ۱۰۰ تیر جنگی و پیج اینستاگرامی کافی است. همراه همسرش سراغ اولین قربانی‌اش رفت. می‌خواست علاوه بر سرقت، با تهدید و زور لایو اینستاگرامی هم داشته باشد تا همه مردم از این اقدام او مطلع شوند. دوازدهم مردادماه او و همسرش در صحنه گروگانگیری در محاصره پلیس گرفتار شدند.

مالباخته‌ای که تبدیل به مجرم شد

عکاس و فیلمبردار مجالس بود. درآمد بدی نداشت. درس خوانده و تحصیل‌کرده بود. اما پس از اینکه هدف سرقت قرار گرفت دنبایش عوض شد. مسیر زندگی‌اش تغییر کرد و قدم در دنیای مجرمان گذاشت. اما با خلاف عجیبی شروع کرد. نقشی که در گروه سارقان موبایل داشت، عجیب بود. او را به عنوان رابط مالخر و سارقان در گروه‌شان راه دادند و در نهایت سه‌ند به مجرم حرفه‌ای تبدیل شد. این تحصیل‌کرده مجرم ۱۵ آذرماه دستگیر شد.

کارشناس تغذیه سارق حرفه‌ای بود

طراح سرقت‌های سریالی از مغازه‌های فروش تلویزیون، مرد تحصیل‌کرده‌ای بود که لیسانس تغذیه دارد، اما سر از دنیای تبهکاران درآورد. نتوانستم کار مناسب با درآمد خوب پیدا کنم، چند وقتی راننده اینترنتی شدم، اما دستمزد کم کفاف خرج زندگی را نمی‌داد، به همین دلیل بود که برای به‌دست آوردن پول و سوسه سرقت به جانم افتاد. با همدستانش خودروی زانتیا سرقت می‌کرد که ۲۸ آذر ماه به دام افتاد. □

